فصلنامه علمی – ترویجی انرژی ایران

دوره ۲۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صفحه ۱۲۷ – ۱۰۷

ارزیابی اثرات الحاق ایران به منشور انرژی بر ترانزیت برق

[۱] داوود منظور*، [۲] علیرضا مظلومی

تاریخ دریافت:
۱۳۹۹/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش:
۱۳۹۹/۱۲/۲۵

کلمات کلیدی:
امنیت انرژی الکتریکی، ترانزیت برق در ایران، سازمان تجارت جهانی، منشور انرژی.

چکیده

سند منشور انرژی اولین و مهم ترین معاهده بین المللی در زمینه تنظیم قوانین و مقررات بین المللی در حوزه انرژی در نظر گرفته شده است. لزوم بررسی ابعاد مختلف این سند با توجه به اینکه ایران یکی از مهم ترین و تاثیر گذار ترین کشورهای دنیا در زمینه تولید و ترانزیت انرژی می‌باشد بر کسی پوشیده نیست. این معاهده چهار موضوع اصلی را پوشش می‌دهد: ترویج سرمایه‌گذاری در انرژی توسط منابع خارجی بر اساس اعطای امتیازات داده شده به سرمایه‌گذاران داخلی و یا امتیازات ذکر شده در دولت کامله الوداد، تجارت آزاد انرژی بر اساس قوانین سازمان تجارت جهانی، آزادی ترانزیت انرژی از طریق خطوط لوله و شبکه‌های انتقال برق، برقراری یک مکانیزم خاص برای حل و فصل مناقشات بین کشورها و یا کشورها و سرمایه‌گذاران. در خصوص موضوعات مطرح شده در منشور انرژی بحث ترانزیت انرژی یکی ازمهم ترین فصول این منشور به شمار می‌رود.این مقاله، ضمن تشریح ماهیت حقوقی برق به عنوان یکی از ارکان انرژی، به تبیین الزامات حقوقی، سیاسی، فنی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در بخش تجارت خارجی برق به منظور الحاق به منشور نیز می‌پردازد. با توجه به اینکه کشورهای همسایه ایران دارای نیاز فراوانی برای تأمین انرژی برق خود می‌باشند، در نهایت خواهیم دید لزوم توجه به سیاست گذاری دقیق در زمینه ترانزیت انرژی برق یک امر ضروری برای ایران به شمار می‌آید.

۱. دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، نویسنده مسئول، تهران،ایران. manzoor@isu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه تهران، ایران. mazloomialireza@gmail.com

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

۱. مقدمه

تجارت برق یکی از دشوارترین و پیچیده ترین کالاها در حوزه انرژی در نظر گرفته می‌شود که هزینه سنگینی را در خصوص ایجاد زیر ساخت‌ها برای کشورهای مختلف ایجاد می‌کند. آزاد سازی بازارهای تجاری به مصرف کنندگان این اجازه را می‌دهد تا انرژی مورد نیاز خود را از ارزان ترین محل خریداری کنند. طبق بررسی‌های بین المللی انجام گرفته طی چند سال آینده تقاضای نهایی برق بیش از هر انرژی دیگر در جهان رشد خواهد داشت. در سالیان اخیر گذاره "امنیت انرژی" در حال تغییر به "امنیت برق" است. برق کلید توسعه اجتماعی، اقتصادی و صنعتی آینده است و منبع انرژی مورد نیاز تمام فعالیت‌های بشری بر پایه برق خواهد بود. به این دلیل که تمام منابع اولیه همانند گاز، نفت و امثال آن، به برق تبدیل شده و نیازهای جوامع از جمله حمل‌ونقل، ارتباطات، سرمایش، گرمایش و تمام نیازهای بنیادین دیگر توسط انرژی الکتریکی تأمین خواهد شد. اگرچه به نظر می‌رسد که هنوز برق در جهان به عنوان یک کالای صادراتی مطرح نیست و اغلب کشورها هنوز تولیدات خود را برای مصرف داخلی خود استفاده می‌کنند اما ارتباط بین المللی شبکه‌های برق دائما در حال افزایش می‌باشد. همان طور که در سند منشور انرژی[1] ذکر شده است یکی از اهداف اصلی این منشور کمک به آزادی هر چه بیشتر جریان انرژی در سطح بین المللی بر اساس تعهدات متقابل کشورها است(بیگدلی،۱۳۸۴: ۹). یکی از مهم ترین اصول تجارت بین الملل که مبتنی بر مزیت نسبی حاکی از تجارت آزاد است در منشور انرژی به صورت ویژه مورد تأکید بوده است. در راستای جهانی شدن و با پیوستن ایران به منشور انرژی لزوم استفاده از هر فرصتی به هر شکل برای بهره مند شدن از صادرات برق و ترانزیت آن برای کشور ضروری و لازم می‌باشد. با افزایش نیاز کشورها به جریان الکتریسته و افزایش تقاضای آن و همچنین الحاق کشورهای مختلف به منشور انرژی اهمیت انرژی برق در میان کشورهای عضو منشور نمایان تر می‌شود بر همین اساس کشورهایی که جزوه تولید کنندگان اصلی این انرژی به شمار می‌آیند می‌توانند دیدگاه‌ها و مقررات

1. Energy Charter

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

خود را در منشور انرژی بر اساس منافع خود هدایت کنند.[۱] تأمین پایدار انرژی و ورود به بازار "انرژی برق" می‌تواند دربرگیرنده امنیت کشور و ابزار درآمد اقتصادی پایدار باشد. این مهم، با تبدیل کشور به گلوگاه انرژی الکتریکی در منطقه از طریق اتصال شبکه برق ایران به کشورهای مجاور، میسر خواهد شد. این "اتصال برون‌مرزی شبکه‌های برق"، افزون برآنکه می‌تواند زمینه‌ساز تولید برق و انتقال آن به کشورهای همجوار و بعضاً ترانزیت برق به کشورهای غیر مجاور شود، می‌تواند "قابلیت اطمینان" و "تاب‌آوری" شبکه‌های برق را نیز ارتقاء دهد. منابع سرشار انرژی همانند گاز و نفت در کنار پتانسیل بالای انرژی‌های تجدیدپذیر، ایران را به گزینه‌ای "بالقوه" برای تبدیل شدن به قطب انرژی الکتریکی در منطقه مبدل ساخته است. علاوه بر آن، موقعیت و اهمیت ژئوپولیتیک ایران، پتانسیل فزاینده‌ای را به کشور برای تبدیل شدن به محور اتصال شبکه‌های برق منطقه و "مبدل شدن به کریدور ترانزیت برق" داده است. اما لازمه "بالفعل" نمودن این پتانسیل، اتصال و سنکرون‌سازی شبکه برق ایران با کشورهای مجاور و حتی غیرمجاور می‌باشد.

ایران با توجه به اینکه از امکانات و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه بسیاری در قلمرو تولید انرژی الکتریسته برخوردار است ولی بنا به علل و عوامل داخلی و خارجی از بخش عظیمی از این امکانات بی بهره بوده است یکی از همین امکانات موضوع ترانزیت انرژی در حوزه برق می‌باشد. با وجود ضعف ساختاری مدیریت داخل کشور نباید از تأثیرات مخرب تحریم‌های بین المللی در زمینه عدم موفقیت در حوزه ترانزیت انرژی برق غافل بود. با توجه به اینکه ایران در منطقه خاورمیانه در زمینه تولید و ترانزیت انرژی برق یکی از بزرگترین کشورها در این حوزه به شمار می‌رود لزوم تدوین سیاست گذاری دقیق در این زمینه یک امر ضروری به نظر می‌رسد که در حال حاضر برنامه دقیقی در این خصوص وجود ندارد. در همین راستا اکثر کشورهای در حال توسعه[۲]، صنعت برق به طور سنتی تحت سلطه موسسات دارای تمرکز عمودی با مالکیت دولتی قرار داشته است که تولید، انتقال و توزیع برق را در اختیار داشته و فضای محدودی برای تجارت و رقابت باقی گذاشته است. الحاق به منشور انرژی و گرایش به خصوصی سازی

۳ . لازم به ذکر است که در حال حاضر ژاپن با پرداخت ۲۵ درصد بودجه منشور بزرگ ترین تأمین کننده مالی برای منشور انرژی به شمار می رود که همین امر باعث نفوذ هرچه بیشتر این کشور در خصوص قواعد و الزامات منشور شده است.

2. Regional Cooperation For Development

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

در این بخش، باعث می‌شود مدیریت و مالکیت در این بخش متحول شود و با عنایت به رشد توسعه و تجارت در اقتصاد و همچنین افزایش تعداد کشورهای ملحق شده به منشور انرژی بررسی الحاق ایران به منشور انرژی و تأثیر آن بر بخش‌های مختلف انرژی از جمله صنعت برق ضروری می‌باشد(بزرگی،۱۳۸۶ :۲۳–۲۵). بدین منظور در جهت کاهش زیان‌های نسبی ناشی از پیوستن ایران به منشور انرژی بر صنعت برق، ضروری به نظر می‌رسد درک درستی از وضعیت این صنعت در اثر الحاق ایران به منشور انرژی ایجاد شود که در این مقاله وضعیت صنعت برق در خصوص ترانزیت آن مورد توجه قرار گرفته است.

در این پژوهش به منظور پاسخ به این پرسش که عضویت ایران در منشور انرژِی چه تأثیری بر موقعیت ایران در ترانزیت انرژِی برق دارد، در سه محور اصلی به بررسی تأثیر این عضویت خواهیم پرداخت. در بخش اول به تأثیر عضویت ایران در ابعاد دیپلماسی انرژی و نقش ترانزیت بر ایجاد امنیت انرژی تأکیده شده، در بخش دوم ابعاد حقوقی این عضویت شامل قوانین و مقررات در حوزه ترانزیت مورد توجه بوده، و در بخش سوم منافع اقتصادی حاصل از ترانزیت انرژی برق مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. اصول کلی حاکم بر منشور جهانی انرژی

انرژی نه تنها کالایی است که در بازارهای منطقه‌ای و بین المللی تجارت می‌شود بلکه به عنوان سوختی در نظر گرفته می‌شود که اقتصاد کشورها را به حرکت در می‌آورد و بزرگترین منبع صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی برای کشورهایی است که اقتصاد آنها به شدت وابسته به صنایع استخراجی است. کشورهایی که به مصرف، تولید و ترانزیت می‌پردازند ممکن است دارای منافع و اولویت‌های خاص باشند اما اعتماد آنها به منابع انرژی منجر به ایجاد یک زمینه مشترک برای سرمایه‌گذاری و تجارت می‌شود که در نهایت رونق اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

با مروری بر پیشینه انرژی می‌توان دریافت که در دهه ۱۹۶۰ مهمترین موضوع، کافی بودن سوخت و امنیت انرژی بوده و سیاست گذاری انرژی بیشتر در مورد عرضه مطرح بود. اهداف صنعتی و اشتغال در سطح ملی موضوعات مورد بحث در جوامع صنعتی بودند. تجارت انرژی کمتر صورت می‌گرفت و تنها در بخش نفت خام مقداری تجارت انجام می‌شد (لطفعلی پور و دیگران،۱۳۸۸: ۵۶) با کاهش قیمت در بخش ذغال سنگ، تحقیق و توسعه در بخش هسته‌ای بیشتر صورت می‌گرفت. صنایعی که نیاز بیشتری

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

به استفاده از انرژی داشتند اکثرا در حالت انحصاری بودند و یا به وسیله دولت کنترل می‌شدند. اما وقوع بحران نفتی ۱۹۷۳ موجب شوک بزرگ اقتصادی بخصوص در کشورهای در حال توسعه شد و این درک شکل گرفت که منابع فسیلی کمیاب هستند و ممکن است که قیمت آنها افزایش یابد. تقاضای انرژی این بار به جای عرضه موجب نگرانی گردید و مدیریت تقاضا شکل گرفت. جایگزین‌های نفت خام موضوع اصلی بخش‌های تحقیق و توسعه گردید. تجارت نفت خام به شکل وسیعی همزمان با شکل گیری بازار نفت خام به عنوان مهمترین حامل انرژی افزایش یافت (Horlick, Gary & Others (2002 . تعدادی از موضوعات زیست محیطی مانند باران اسیدی و پسماند هسته‌ای خود را به صورت ضعیف نشان دادند. با کاهش قیمت نفت و گاز و وقوع تغییرات در عرضه و تقاضا موجب دگرگونی در ساختار بازارها در دهه ۱۹۸۰ شدند، همچنین بخش‌های مهمی از صنایع نفتی نیز خصوصی شدند. موضوعات زیست محیطی بیشتر مطرح شد مانند تفاله‌های هسته ای، بازار اسیدی و صنایعی که در یک منطقه باعث آلودگی‌های محلی می‌گشتند. در این دهه قیمت نفت و گاز پایین باقی ماندند و تجارت گاز رشد یافت. روزهای اوج خصوصی سازی در عرضه برق شروع شد.در این دوره رقابت به عنوان یک اصل نهادینه شد (حسن مرادی، ۱۳۹۲). در کشورهای در حال توسعه این کار به کندی انجام می‌شد و بعضا شاهد ملی شدن صنایع نیز بودیم. موضوعات زیست محیطی به عنوان اصلی ترین مسائل در سیاستگذاری انرژی مطرح گردید. مذاکرات ریو در ۱۹۹۲ و پروتکل کیوتو در ۱۹۹۷ به عنوان مسائل جهانی مطرح گشتند.

در اوایل دهه ۱۹۹۰، پایان جنگ سرد نقطه عطفی بود که مخالفت با عقاید و منافع اقتصادی رو به کاهش گذاشت و بخش انرژی به عنوان مسیر همگرایی ظاهر شد.ابتکار عمل کشور هلند که بلافاصله توسط اتحادیه اروپا پذیرفته شد، بر نیاز اتحاد جماهیر شوروی سابق بر دریافت سرمایه‌گذاری برای کمک به توسعه اقتصادی این کشور با بهره برداری از منابع طبیعی خود متمرکز بود و در عین حال حاکمیت ملی بر این منابع و فراهم نمودن اطمینان قانونی برای سرمایه‌گذاری خارجی را به رسمیت می‌شناخت. کشورهای شرقی و کشورهای عضو اتحادیه اروپا تنها کشورهایی نبودند که از این فرآیند سود می‌بردند، سایر کشورها مانند کانادا، امریکا، ژاپن و استرالیا نیز در فرآیند این اجماع قرار داشتند. فرآیند مذاکره و توافق با موضوعات گسترده‌ای همچون حمل و نقل نفت، انتقال گاز طبیعی از طریق خطوط لوله فشار قوی، بهبود انرژی هسته ای، معدن و انرژی زغال سنگ پاک از جمله دیگر موارد مورد توجه بود. زمینه‌های سیاسی موجب شد تا راه برای همکاری طولانی مدت انرژی بر پایه اصول بازار و توازن بین

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

مصرف کننده و تولیدکننده در امنیت انرژی تسهیل شود. در نهایت آشتی منافع منجر به گفتگو و مذاکره کشورها برای توافق بر روی یک اعلامیه سیاسی موسوم به منشور انرژی اروپایی شد. تصویب "منشور اروپایی انرژی[1]" در سال ۱۹۹۱ منجر به شکل گیری نوعی همکاری بین کشورهای اروپایی در زمینه های تولید، انتقال و بهره برداری از انواع منابع انرژی بود، زیرا اروپا ازیک سو نیاز فراوانی به سوخت های فسیلی داشت و از سوی دیگر، دچار مخاطرات ناشی از انواع تهدیدها در برابر امنیت عرضه انرژی بود. ابتکار منشور انرژی، به عنوان یک بیانیه سیاسی، برای نخستین بار و در حیطه جغرافیایی اروپا پس از پایان جنگ سرد و با از میان رفتن تقسیم بندیهای اساسی سیاسی و اقتصادی در این قاره موجب شد تا دولت های منطقه، مذاکرات چندجانبه ای را برای ایجاد یک ابزار حقوقی الزام آور آغاز نمایند. این فرایند مذاکراتی منجر به تصویب و امضای پیمان نامه منشور انرژی در سال ۱۹۹۴ شد. بدین ترتیب منشور انرژِی توانست اصول و مبانی سیاسی را به وجود آورد تا غرب و شرق بتوانند دیدگاه‌های مشترکی داشته باشند. حوزه‌های خاص شامل تجارت، سرمایه‌گذاری، حمل و نقل، بهره برداری انرژی و حاکمیت بر منابع طبیعی بود که در طول تهیه پیش نویس منشور انرژی و ایجاد یک فضای مشترک برای پیشرفت‌های بعدی مورد توافق قرار گرفت.(The role of the Energy Charter ، ۲۰۱۵: ۲۴-۲۲)

بدین ترتیب منشور انرژی به عنوان یک بیانیه سیاسی، لازم بود تا اطمینان و امنیت قانونی مورد نیاز سرمایه‌گذاران و بازارها فراهم کند. این اعلامیه سیاسی راه را برای شکل گیری یک سند ضروری و پایه‌ای محکم برای یک توافق بین المللی حقوقی با منافع متقابل ایجاد کرد. برخی از امضاکنندگان بر این باور بودند که گام منطقی، ایجاد یک سازوکار بین المللی است که بتواند در توسعه بازارهای انرژی به اعمال مصالحه بپردازد. این منشور در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ امضا شد و اکنون شامل ۵۴ عضو است. پنج کشور امضاکننده،این پیمان را تصویب نکردند از جمله: استرالیا، بلاروس، ایسلند، نروژ و روسیه. هم چنین این منشور شامل هفت اصل اساسی است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

1. European Energy Charter

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

سرمایه‌گذاری

دو ویژگی اصلی تجارت انرژی و پروژه‌های مرتبط با آن، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و اعمال ریسک برای انجام یک پروژه است. بنابراین، اعتماد و امنیت دو فاکتور مهم برای کمپانی ها، بانک‌ها و سرمایه‌گذارن در نظر گرفته می‌شوند تا پروژه‌های انرژی از کاغذ عبور کرده و جامه عمل به خود بپوشانند. برای کشورهای دارای منابع غنی طبیعی، سرمایه‌گذاری در صنعت استخراجی به عنوان یک موتورمحرک برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته شده است. بنابراین منابع طبیعی و سرمایه‌های مرتبط با آن پیوند مشترک اقتصادی بین کشورهای مصرف کننده و ترانزیت ایجاد کردند. به منظور ترویج سرمایه‌گذاری، دولت‌های امضا کننده باید قدم‌های رو به جلویی برای شکل گیری یک چارچوب حقوقی ثابت و شفاف در راستای ایجاد شرایط برای توسعه منابع انرژی مطابق با قوانین بین الملل مرتبط بردارند. ضروری به نظر می‌رسد که دولت‌های امضا کننده پیمان ابزارهای بین المللی را که از سرمایه‌گذاری محافظت کرده و از مکانیسم های ضمانت نامه‌ای بین المللی استفاده می کنند، امضا و تصویب کنند.

تجارت

از آنجایی که مقررات منشور انرژی در بخش تجارت بیشتر برگرفته از گات و سپس ارجاع به سازمان تجارت جهانی است، اولین هدف که در منشور انرژی سال ۱۹۹۱ به وضوح به آن پرداخته شده است این است که دولت‌های امضاکننده این پیمان در توسعه تجارت انرژی مطابق با توافق‌های مهم چند جانبه مرتبط مانند گات عمل خواهند کرد. این هدف می‌تواند از جمله با ایجاد یک بازار آزاد و رقابتی برای محصولات انرژی، مواد، تجهیزات و خدمات و همچنین از بین بردن موانع فنی، اداری و سایر موانع تجارت انرژی و تجهیزات مرتبط، فناوری‌ها و انرژی حاصل شود. خدمات مرتبط. علاوه بر این، ارتقاء اتصال حمل و نقل انرژی و زیرساخت‌ها نیز راهی برای تشویق تجارت در بخش انرژی است. هدف از رژیم تجارت پیمان منشور انرژی، گسترش سود و همچنین تعهدات اعضای سازمان تجارت جهانی به بخش انرژی از طرف‌های متعاهد پیمان انرژی است که هنوز در سازمان تجارت جهانی حضور ندارند.

ترانزیت

ترانزیت رکن دیگری از منشور انرژی است. ارتباط بین کشور تولیدکننده، کشور وارد کننده و یک کشور ترانزیت عامل اصلی در توسعه بخش انرژی درمیان کشورهای عضو پیمان انرژی است.در این مورد، ریشه هر اعلامیه

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

یا پیمان بین المللی حمل و نقل نیز گات است .منشور انرژی، مانند تجارت، مفاد توافق نامه‌های تجارت بین المللی را نیز در بر گرفته است و این امر بخش انرژی مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. بنابراین، منشور انرژی اصول ترانزیت کالاهایی را که براساس GATT و بعداً در WTO مورد توافق قرار گرفته‌اند را وسعت می‌بخشد. طبق منشور انرژی، حمل و نقل کالاها و محصولات انرژی باید تحت اصل ترانزیت آزاد و بدون هیچ گونه تفکیکی به عنوان مبدا، مقصد یا ملیت صاحبان آن انجام شود . هم چنین هیچ گونه تبعیضی از نظر قیمت، اعمال تأخیر، درخواست هزینه و یا ایجاد محدودیت وجود ندارد.

حل و فصل اختلافات

ماده ۲۶ در منشور انرژی به طوکامل به موضوع حل و فصل اختلافات میان یک دولت عضو و یک سرمایه‌گذار پرداخته است. این ماده به تفصیل روش‌های مختلفی جهت حل اختلاف از جمله حق اقامه دعوای مستقیم در مراجع داوری بین المللی را مورد توجه قرار داده است. نکته قابل توجه در خصوص این معاهده این است که برخلاف دیگر معاهدات بین المللی، سرمایه‌گذار برای اقدام علیه دولت متخلف، مجبور نیست موضوع را از طریق دولت متبوع خود پیگیری کند. روش‌های حل و فصل اختلاف که در ماده ۲۶ منشور مطرح شده است شامل روش دوستانه[1]، مراجعه به دادگاه یا محاکم اداری کشور طرف اختلاف[2]،استفاده از راه حل‌های مورد توافق[3] و مراجعه به داوری بین المللی یا سازش[4] می‌باشد.

حاکمیت ملی

منشور انرژی هیچ گونه مغایرت و محدودیتی در ارتباط با تصمیم‌گیری مردم و حکومت هایشان در خصوص تصمیم‌گیری در مورد چگونگی چگونگی پیشبرد سیاست‌های مربوط به توسعه منابع طبیعی ندارد. علاوه بر این، منشور انرژی تعریف سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی انرژی را محدود نمی‌کند. این پیمان صریحاً به حاکمیت کشورهای امضاکننده آن بر منابع انرژی شان احترام می‌گذارد. همچنین کاملاً واضح است که هدف از ایجاد شرایط برای توسعه تجاری منابع طبیعی، مغایرتی با حاکمیت دولت‌ها بر

1. Amicable Settlement
2. Domestic Court or Administrative Tribunals
3. Agreed Dispute Settlement
4. International Arbitration or Conciliation

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

منابع خود یا رژیم مالکیت که هر کشوری برای مدیریت منابع طبیعی خود طراحی کرده است، ندارد. از سوی دیگر، این معاهده اجازه اعمال سازوکارهایی که برای محافظت از زندگی و سلامتی انسان، حیوانات و گیاهان ضروری هستند ویا در شرایطی که سرمایه‌گذاران مزبور که بومی یا از نظر اجتماعی و متضرر شده‌اند را می‌دهد.

بهره وری انرژی

استفاده کارآمد از انرژی یکی از اصولی است که در منشور انرژی مورد توافق قرار گرفته است. درک نیاز برای یافتن مکانیسم‌ها و شرایط استفاده کارآمد و اقتصادی از انرژی در منشور درج شده است. تعریف قیمت‌های تعیین شده توسط نیروهای بازار و هزینه تولید، هماهنگی سیاست‌های انرژی و ارتقاء منابع تجدید پذیر انرژی توسط دولت‌های امضا کننده منشور انرژی مورد توافق قرار گرفت.

حقوق نرم

مفهوم حقوق نرم به این معنا است که مقررات پیمان هیچ یک از امضا کنندگان را ملزم نمی‌کند، بلکه تعهدات قابل توجهی را از طرف آنها ایجاد می‌کند. منشور انرژی در سال ۱۹۹۱ هیچ نوع حقوقی، چه نرم و چه سخت ایجاد نکرد. بلکه این منشور تنها یک توافق بر روی برخی از اصول است که توسعه بازارهای انرژی بین کشورهای مصرف کننده، تولید کننده و ترانزیت را تضمین می‌کند. نکته قابل توجه در ارتباط با منشور این است که این پیمان یک سند کامل و جامع کاملاً الزام آور است که از آن به عنوان یک ابزار بین المللی استفاده می‌شود.

از آنجا که معاهده انرژی، اولین معاهده چندجانبه است و براساس اصول اقتصاد بازار، همکاری متقابل و بدون تبعیض شکل گرفته و هدف آن ترویج همکاری در حوزه انرژی و فراهم کردن یک چارچوب پایدار و با ثبات برای جریان انرژی و سرمایه گزاری در آن سوی مرزها می‌باشد در حقیقت به منظور ارتقاء سرمایه‌گذاری، کشورهای امضاکننده باید در راستای تدوین یک چارچوب حقوقی پایدار و شفاف که شرایطی را برای توسعه منابع انرژی ایجاد کنند و مطابق با قوانین بین المللی در این زمینه گام بردارند. لازم به ذکر است کشورهای اروپایی سه هدف کلی در زمینه انرژی را دنبال می کند که شامل امنیت عرضه، وجود محیط رقابتی برای عرضه کنندگان، و رعایت اصل پایداری در مصرف انرژی به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و وابستگی به سوخت های فسیلی است. برای نیل به اهداف

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

یادشده، ارتقای ایمنی و بازدهی انرژی، تولید انرژی در داخل اتحادیه ازجمله انرژی تجدیدپذیر، داشتن بازار مطمئن و یکپارچه، امنیت عرضه، و تشکیل اتحادیه انرژی اروپایی، اهمیت فراوانی دارد. به طور کلی، این معاهده تمام فعالیت‌های چرخه انرژی(کشف، تولید، تصفیه، ترانزیت، فروش و استفاده کارآمد) و تمام اشکال انرژی (نفت، گاز، انرژی‌های تجدیدپذیر و برق) را در بر می‌گیرد. در ابتدا، تبصره‌های معاده انرژی مربوط به بخش نفت و گاز بود اما پس از مدتی یک پروتکل برق نیز به آن اضافه شد.-Müller (Jentsch، ۲۰۰۱: ۶۶).

۳. مزایای الحاق ایران به منشور انرژی بر ترانزیت برق

امروزه کشورها بدون در نظر گرفتن ملاحظات نظام اقتصاد سیاسی جهانی، به‌ویژه با توجه به تغییر ساختاری ناشی از تغییر در روندهای اقتصاد جهانی، نمی‌توانند منافع خود را تدوین کند. کشورها بدون فهم چگونگی تغییر در ماهیت و توزیع قدرت یعنی منافع ملی قادر به حفظ و بازتولید قدرت ملی که یکی از الزامات سیاست خارجی است، نمی‌باشند. بنابراین ضرورت دیپلماسی انرژی ناشی از شکل‌گیری گونه‌های جدید دیپلماسی و با توجه به دربرگرفتن عناصر نامحسوس قدرت و متاثر از تغییر در اقتصاد جهانی ظهور کرده است.

ارتباط دیپلماسی انرژی و منافع ملی به این موضوع مربوط می‌شود که دستیابی به امنیت انرژی در قالب کشور و یا منطقه‌ای منفرد امری مبهم بوده و غالبا مورد سوال قرار می‌گیرد. این ادبیات مبتنی بر این پیش‌فرض است که در نظام اقتصاد سیاسی جهانی کشورها و نهادهای غیر دولتی فعال در زمینه اقتصادی، گردش یکپارچه‌ای را که معرف اقتصاد جهانی است، تشکیل می‌دهند. به این ترتیب، کارکرد وابستگی متقابل پیچیده معطوف به این است که دیپلماسی انرژی با ایفای نقش میانجی در حل وفصل مناقشات دیرین و رفع سوء تفاهمات و در جنبه ایجابی با تعمیق پیوندها، مناسبات میان کشورها و تعاملات جهانی را بهبود بخشد(بلدسو و دیگران، ۱۳۷۵ :۷۶). در این معنا خط مشی اخیر به واسطه اینکه وضعیت باثبات‌تری را بر مناسبات از حیث امنیت عرضه، امنیت تقاضا و امنیت ترانزیت در زمینه مالی و فنی حاکم می‌سازد، یکی از ابعاد مهم در ارتباط با منافع ملی تلقی می‌گردد. بر همین اساس تنها کشورهای صادرکننده انرژی نیستند که به واسطه نیاز به سرمایه‌گذاری، بازار امن برای تقاضا، دانش مدیریتی جدید نیاز به بسط وابستگی متقابل در این زمینه را دارند بلکه اساسا در جهت مخالف، وقتی که موضوعیت

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

منابع انرژی از جهت قطع جریان انرژی و یا اختلال در ترتیبات بین‌المللی مرتبط با این بخش، شاید تنها در نگاه کشورهای واردکننده، به‌عنوان یک سلاح سیاسی توسط کشورهای تولیدکننده استفاده می‌شود، کشورهای واردکننده بهای سنگین‌تری می‌پردازند. در نتیجه، تدارک سازوکاری که در آن امنیت انرژی به طور گسترده‌ای تضمین شود، شاید بیش از کشورهای صادرکننده، برای واردکنندگان انرژی دارای مطلوبیت باشد. توزیع نامتقارن منابع انرژی در عرصه جهانی و روند خالی شدن نامتوازن منابع، در ژئوپلیتیک انرژی برخی کشورها را در جایگاه صادرکنندگان و برخی دیگر را واردکنندگان عمده قرار داده است در این بین کشورهایی نیز وجود دارند که به مقوله ترانزیت انرژی می‌پردازند که نقش این کشورها کمتر از کشورهای تولید کننده انرژی نمی‌باشد. لذا کشورهای ترانزیت کننده انرژی می‌توانند با توجه به نقش مهمی که در انتقال انرژی بین کشورها دارا می‌باشند در عرصه بین المللی دارای کارکردهای ویژه باشند(Buzan, Barry (1991. در این رابطه انرژی به‌عنوان مهم‌ترین مزیت نسبی برای جمهوری اسلامی و مشارکت در تأمین امنیت انرژی در سطح بین‌المللی در جایگاه کانونی‌ترین نقطه اتصال ایران به جهان برای تحقق برنامه توسعه برون‌گرایانه در اختیار کشور قرار دارد(Mandel, Robert (1994 . ایران با توجه به اینکه هم در زمینه تولید محصولات انرژی و هم در عرصه ترانزیت انرژی دارای موقعیت و جایگاه ویژه‌ای می‌باشد باید بتواند نقش خود را در زمینه ترانزیت انرژی تقویت کند. در زمینه ترانزیت انرژی برق تا کنون دیپلماسی قوی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای همسایه صورت نگرفته که عدم توجه به این موضوع را می‌توان در نداشتن سیاست گذاری دقیق در این زمینه برشمرد. باتوجه به به اینکه در حال حاضر ایران به ۷ کشور همسایه برق صادر می‌کند، بنابراین ظرفیت‌های لازم برای انجام ترانزیت انرژی برای این کشورها وجود دارد که این امر نیازمند همکاری نزدیک و سیاست گذاری مناسب میان ایران و کشورهای همسایه می‌باشد. با توجه به عضویت ایران در سند منشور انرژی و همچنین عضویت اکثریت کشورهای همسایه در این سند می‌توان از منشور انرژی به عنوان یک سند مبنایی برای شروع مذاکرات استفاده کرد که در ادامه همکاری میان کشورها امکان به وجود آمدن سازمانی یا کنفرانسی در خصوص ترانزیت انرژی برق نیز وجود خواهد داشت.

با نظر به اینکه ایران از لحاظ موقعیت جغرافیایی دارای ظرفیت بسیار زیادی در زمینه ترانزیت برق است،لذا رقابتی شدن بازار از جهت سرمایه‌گذاری در زمینه ترانزیت برق می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را بیش از پیش افزایش دهد. از سوی دیگر موجب ورود تکنولوژی نیز خواهد شد. یکی دیگر از منافع اتصال

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

شبکه برق ایران به کشورهای منطقه ایجاد وابستگی متقابل برای کشورهای منطقه می‌باشد که این وابستگی می‌تواند در مقابل تحریم‌های بین المللی علیه ایران سد محکمی را به وجود آورد. منشور امکانی را برای مذاکره و گفتگو میان کشورهای مختلف فراهم می‌آورد و این امر در نهایت موجب کمک به توسعه روند بازار خواهد شد. علاوه بر این موجب آشنایی بیشتر با قوانین و مقررات داخلی سایر کشورها در خصوص انرژی می‌گردد که این امر می‌تواند در زمینه انعقاد موافقت نامه‌های دو جانبه مورد استفاده قرار گیرد.خلاهای حقوقی موجود در قوانین ایران در خصوص ترانزیت انرژی عضویت ایران در منشور موجب می‌گردد تا مجلس به وضع قوانین جدید اقدام نماید. الحاق ایران در منشور انرژی مستلزم ایجاد شفافیت در قوانین و مقررات داخلی است.

الزامات حقوقی ترانزیت برق بر اساس منشور انرژی

منشور انرژی در بحث ترانزیت به دنبال آزادی ترانزیت و حمایت از دسترسی به آن می‌باشد. در این راستا منشور از دو اصل عدم تبعیض و آزادی ترانزیت پیروی نموده و تعهداتی را نیز برای کشورها در نظر گرفته است. در مجموع اگرچه مفاد ترانزیت در منشور بیشتر تأمین کننده منافع کشورهای مصرف کننده است، اما مزایایی نیز برای سایر کشورها از جمله ایران در بر دارد.در زمینه قوانین ترانزیت انرژی در کشور هیچ گونه قانون مدونی وجود ندارد و تنها قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۴ و آئین اجرایی آن مصوب ۱۳۷۷ تنها قانون اصلی مرتبط با سامان بخشی ترانزیت هرگونه کالا به طور کلی از کشور است که به منظور تسهیل و تسریع در مراحل اجرائی عبور کالاهای خارجی از کشور به تصویب رسیده است. قانون و آیین نامه مزبور همانند مقررات گات و سازمان تجارت جهانی در این زمینه، در مورد ترازیت کالا یا کالاهای مشخصی همچون مقررات ترانزیت موضوع ماده ۷ پیمان منشور انرژی نیست، بلکه کلی بوده و هر نوع کالایی را شامل می‌شود(بهنام، ۱۳۸۴). بر همین اساس در زمینه ترانزیت انرژی برق نیز ایران هیچ گونه قانون و مقررات صریحی برای ترانزیت انرژی برق در دست ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد که از سند منشور انرژی می‌توان به عنوان یک سند حقوقی بین المللی در زمینه قوانین و مقررات ترانزیت انرژی بهره برد. ماده۷ منشور انرژی شامل ۱۰ بند و اجزای متعدد می‌باشد که صرفا در مورد ترانزیت انرژی بوده و شامل احکامی در مورد آزادی ترانزیت، عدم تبعیض، تعهداتی مانند نوسازی و توسعه کارکرد حمل و نقل داخلی و بین المللی و

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

اتصالات مرزی، عدم قطع جریان ترانزیت انرژی، عدم ایجاد موانع موجب تاخیر، همکاری در کاهش آثار قطع عرضه انرژی، همکاری و حمایت به منظور نوسازی تسهیلات و تجهیزات حمل ونقل دریایی و حل و فصل اختلافات در حوزه مربوط به ترانزیت می‌باشد. لازم به ذکر است که پس از مدت‌ها مذاکره میان اعضای منشور، به منظور توسعه، تکمیل و اصلاح مقررات ترانزیتی منشور پروتکل پیشنهادی ترانزیت منشور توسط کارگروه ترانزیت تهیه شده است اما تا کنون به علت اختلاف میان روسیه و اتحادیه اروپا به تصویب نرسیده است. بر اساس ماده ۷ منشور می‌توان تعهدات و تکالیف کشورهای ترانزیت کننده انرژی را به ۳ دسته کشورهای تولید کننده، مصرف کننده و کشورهای ترانزیت کننده تقسیم نمود.

تعهدات کشورهای تولید کننده در قبال ترانزیت انرژی

بند ۲ ماده ۷ منشور به صورت کلی تعهدات کشورهای مختلف را در زمینه ترانزیت انرژی مورد توجه قرار داده است که این تعهدات در سه بخش، مدرنیزه کردن تاسسیات انتقال محصولات انرژی،اتخاذ اقداماتی در جهت کاهش قطع تولید و ترانزیت وتسهیل برقراری ارتباط بین تأسیسات انتقال طبقه بندی می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد منشور تنها به الزام کشورها برای شناسایی اصل آزادی ترانزیت بسنده نکرده، بلکه به عنوان اقدامی برای اجرای اصل مزبور از آنها می‌خواهد که شبکه انتقال لازم برای رعایت اصل آزادی را مهیا نماید(آقایی، ۱۳۸۶ :۱۵۱). با توجه به مفاد این ماده ملاحظه می‌گردد که تعهدات مندرج در این ماده بیشتر پیرامون کشورهای تولید کننده و ترانزیت کننده انرژی می‌باشد و هیچ گونه مسئولیتی را در قبال کشورهای مصرف کننده انرژی ذکر نمی‌کند بلکه بیشتر در راستای تامین امنیت انرژی برای کشورهای مصرف کننده و بازارهای جهانی است. از دیگر تعهداتی که کشورهای تولید کننده در راستای امنیت ترانزیت انرژی باید به آن توجه کنند رفتار غیر تبعیض آمیز و معقول با کشورهای مصرف کننده و ترانزیت کننده انرژی می‌باشد. بنابراین ملاحظه می‌شود که تعهدات کشورهای تولید کننده انرژی موجب ورود این کشورها به بازارهای جهانی انرژی می‌شود و به تبع آن موضوع سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر را نیز فراهم می‌کند.

تعهدات کشورهای مصرف کننده

مفاد ترانزیتی منشور بیشتر در راستای حمایت از دسترسی آسان و مطمئن به انرژی به نفع کشورهای مصرف کننده است. در درون مفاد منشور نمی‌توان تعهداتی برای کشورهای مصرف کننده انرژی مشاهده

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

نمود اما در پروتکل الحاقی در خصوص ترانزیت انرژی می‌توان تعهداتی را برای کشورهای مصرف کننده انرژی بیان کرد.زیرا ترانزیت از جمله مواردی است که در صورت اختلال در جریان آن امکان هرگونه دسترسی به انرژی را دشوار خواهد ساخت. بنابراین در این خصوص وظایفی که کشورهای مصرف کننده می توانند برعهده داشته باشند محدود خواهد بود. از مهم ترین تعهدات کشورهای مصرف کننده موضوع پرداخت تعرفه‌های ترانزیتی یا همان حقوق اقتصادی ناشی از ترانزیت می‌باشد. در خصوص تعیین تعرفه‌های ترانزیتی مواردی در پروتکل پیش بینی شده است که بر اساس آن باید تعرفه‌های ترانزیتی معقول، شفاف، غیر تبعیض آمیز باشد. از دیگر تعهداتی که می توان به کشورهای مصرف کننده تسری داد مفاد ماده ۱۷ پروتکل در خصوص قراردادهای بین المللی معاوضه انرژی[1] می باشد. براساس آن تبادل مقداری از انرژی در قلمرو یکی از اعضای پروتکل در برابر مقدار مساوی از همان انرژی در قلمرو یکی دیگر از کشورهای عضو، قرارداد بین المللی معاوضه انرژی نامیده می شود. بنابر این همان طور که ملاحظه می‌شود مفاد ترانزیتی منشور کمترین تعهدات را برای کشورهای مصرف کننده انرژی دارا است و طبیعتا بیشترین نفع عاید کشورهای مصرف کننده انرژی می‌باشد. مهم ترین نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد و ایران به عنوان کشور تولید کننده و ترانزیت کننده انرژی می‌تواند از آن بهره ببرد موضوع سوآپ در حوزه انرژی و به خصوص در زمینه برق می‌باشد که استفاده دقیق از سوآپ انرژی در زمینه تولید و ترانزیت برق برای ایران می‌تواند فواید فراوانی را به همراه داشته باشد.

تعهدات کشورهای ترانزیت کننده

بیشترین تعهدات ناشی از مفاد منشور ناظر به کشورهای ترانزیتی می‌باشد که در ذیل به طور خلاصه به ذکر این تعهدات می پردازیم:

- طبق بند۱ این ماده هر طرف متعاهد اقدامات لازم را جهت تسهیل ترانزیت مواد و فرآورده‌های انرژی مطابق با اصل آزادی ترانزیت و بدون تمایز از نظر مبدأ، مقصد یا مالکیت این مواد و محصولات انرژی یا تبعیض از نظر قیمت گذاری بر اساس چنین تمایزاتی و بدون تحمیل هرگونه تاخیر،

1. International Energy Swap Agreement

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

محدودیت یا هزینه نا متعارف اتخاذ خواهد نمود. این مقرره اصل آزادی ترانزیت و تعهد دولت‌ها به رعایت غیر تبعیض آمیز بودن این اصل را بیان می‌دارد.

- تعهد دیگر به موجب بند ۲ ماده ۷ طرف‌های متعاهد دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط را برای همکاری در زمینه‌های ذیل تشویق خواهند نمود: ۱- نوسازی تسهیلات انتقال انرژی برای ترانزیت مواد و محصولات انرژی ۲- توسعه و راه اندازی تسهیلات انقال انرژی ضروری برای ترانزیت مواد و محصولات ۳- اتخاذ اقداماتی برای تخفیف آثار قطع عرضه مواد و فرآورده‌های انرژی ۴- اتخاذ اقداماتی برای تخفیف آثار عرضه مواد و فرآورده‌های انرژی
- بنده ۴ ماده ۷ طبق این بند در مواقعی که امکانات ترانزیتی موجود تکافوی نیاز ترانزیتی بر اساس شرایط تجاری را نکند، اعضای معاهده نباید مانعی بر سر راه استقرار ظرفیت‌های جدید ایجاد نمایند.[1]
- بر اساس بند ۵ ماده ۷ طرف متعاهدی که مواد و فرآورده‌های انرژی از قلمرو آن ترانزیت می‌شود ملزم به رعایت موارد ذیل نخواهد بود: ۱- اجازه ساخت یا تغییر تسهیلات انقال انرژی ۲- اجازه ترانزیت جدید یا اضافی از طریق تسهیلات انرژی موجود.

٤. ابعاد اقتصادی ترانزیت برق ایران بر اساس الحاق به منشور انرژی

در دنیای امروز سطح توسعه یافتگی کشورها به توان اقتصادی شان بستگی دارد. به عبارت دیگر هرچه کشورها از نظر اقتصادی پیشرفته تر باشند، بهتر می توانند در جامعه بین المللی حضور داشته و نیز این امر موجب توسعه در دیگر بخش‌ها از جمله سیاسی، فرهنگی و نظامی نیز خواهد شد. بسیار واضح است که کشورها در زمان تصمیم برای انعقاد قراردادها اعم از دو یا چند جانبه، منافع اقتصادی آن را نیز در نظر می گیرند. صرف نظر از سایر مزایایی که ممکن است یک معاهده بین المللی در بر داشته باشد، مزایای اقتصادی از جمله مواردی است که بیشترین توجه را می طلبد. ترانزیت از جمله موضوعاتی است که در بردارنده منافع متقابل هم برای کشورهای مصرف کننده و هم برای کشورهای ترانزیتی است(رنجبریان، ۱۳۸۹). بدین صورت که کشور مصرف کننده به منظور تامین واردات خود وابسته به مسیرهای ترانزیتی قابل اعتماد و ایمن می باشند .در مقابل نیز ترانزیت می تواند منبعی برای کسب درآمد

1. Emergy Charter Secretariat. P 32

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

و نیز اشتغال زایی و در نهایت افزایش توسعه اقتصادی کشور ترانزیتی گردد . کشور ایران به دلیل داشتن موقعیت ویژه جغرافیایی مسیر خوبی برای ترانزیت انرژی مورد توجه غرب است .لذا حضور ایران در مجامع و جلسات منشور به‌ویژه در مذاکرات مربوط به نهایی سازی متن پروتکل نه تنها موجب افزایش آگاهی ایران از تغییرات در سطح بین المللی می گردد، بلکه موجب جلب اطمینان خاطر بیشتر سرمایه‌گذاران جهت توجه به ایران نیز خواهد شد .که این مهم جز با الحاق به منشور میسر نخواهد شد . حتی بعضی از نویسندگان افزایش درآمد ملی را یکی مهمترین تأثیرات ترانزیت انرژی از طریق ایران قلمداد نموده‌اند و اظهار داشته‌اند که، بطور متوسط ترانزیت برق از قلمرو ایران می تواند سالیانه حدود ۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار به درآمدهای ارزی کشور بی افزاید .مضافاً اینکه درآمدهای حاصل از ترانزیت در زمان بحران قیمت نفت نیز می تواند کمک قابل توجهی باشد.ایران در حال حاضر با ۸ کشور همسایه خود دارای خطوط انتقال برق می‌باشد که از این خطوط انتقال در زمینه صادرات و واردات در فصول مختلف بهره برداری می‌شود. نکته قابل توجه در این زمینه عدم استفاده از این خطوط در زمینه ترانزیت انرژی برق می‌باشد. در کشورهای هم جوار ایران کشور ترکمنستان که دارای خطوط انتقال با ایران نیز می‌باشد دارای ظرفیت مازاد تولید است که این ظرفیت مازاد می‌تواند از طریق خطوط انتقال ایران به کشورهایی که کمبود انرژی دارند از جمله افغانستان و پاکستان انتقال پیدا کند. در همین راستا دولت ترکمنستان مذاکراتی را با کشورهای افغانستان و پاکستان در زمینه ایجاد خطوط انتقال جدید شروع کرده و قصد این را دارد که به صورت مستقیم برق تولیدی خود را به این کشورها صادر کند. یکی از مزایای عضویت در منشور انرژی در این است که کشورهای عضو این منشور می‌بایست از ظرفیت‌های یکدیگر برای انتقال انرژری بهره گیرند که با توجه به اینکه ترکمنستان و افغانستان عضویت در منشور انرژی را پذیرفته‌اند اگر ایران نیز عضویت منشور را پذیرفته بود می‌توانست در قالب منشور به این اقدام ترکمنستان اعتراض کرده و خود به عنوان ترانزیت کننده برق در این مسیر ایفای نقش کند.[۱] در زمینه ترانزیت انرژی برق هیچ گونه مدل اقتصادی برای آن تعریف نشده است اما به لحاظ آماری می‌توان به این نکته توجه کرد که موضوع ترانزیت برق به تنهایی هم می‌تواند سود آوری اقتصادی خوبی برای کشور داشته باشد

۱. ماده ۱۹ منشور انرژی

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

هم اینکه بخشی از نیاز مصرفی داخلی را برطرف نماید. هزینه تمام شده تولید برق در کشورهایی نظیر ترکمنستان، ارمنستان و ترکیه به ازای هر کلیو وات ساعت حدود ۴ سنت برآورد شده است و مبلغ خریداری شده برق در کشوری مانند عراق حدود ۷ سنت در سال ۹۷ از ایران خریداری شده که این تفاوت قیمت در میزان تولید و فروش برق می‌تواند مزیت نسبی ترانزیت برق را برای ما روشن سازد.

ایران در سال ۹۷ بالغ بر ۶ میلیارد کلیو وات برق به کشور عراق صادر کرده است که این میزان صادرات را می‌توانست از طریق ترانزیت برق از کشورهای همسایه تهیه کرده و خود به عنوان ترانزیت کننده انرژی هزینه ترانزیت را دریافت نماید. با توجه به اینکه هزینه تمام شده تولید برق در داخل کشور حدود ۷ سنت برآورد می‌شود به نظر می‌رسد که در زمینه صادرات برق می‌توان از ظرفیت ترانزیتی کشور استفاده کرد تا هم در زمینه استفاده از منابع انرژی کشور صرفه جویی صورت پذیرد و هم اینکه سود آوری بهتری برای کشور از طریق ترانزیت انرژی برق بدست آید. جدول ذیل می‌تواند ابعاد اقتصادی ترانزیت برق را برای ما روشن سازد.

- هزینه تولید برق در ایران به ازای هر کیلووات حدود ۶-۷ سنت برآورد می‌شود.
- قیمت فروش برق به عراق حدود ۸ سنت در سال ۹۷ انجام شده است.
- ایران در سال ۹۷ برق را از ترکمنستان حدود ۴.۵ تا ۵ سنت خریداری کرده است.
- ایران در سال ۹۷ حدود ۶ میلیارد کلیو وات برق به عراق صادر کرده است.

هزینه تمام شده تولید برق برای ۶ میلیارد کلیو وات برای ایران	قیمت فروش برق به عراق	سود حاصله از تولید و صادرات برق به عراق
۴۲۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار	۴۸۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار	۶۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار
بر فرض خریداری ۶ میلیارد کلیوات برق از ترکمنستان	ترانزیت برق وارداتی از ترکمنستان به عراق	سود حاصله از واردات برق و ترانزیت به عراق
۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار	۴۸۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار	۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

معاهده منشور انرژی به عنوان یکی از معاهدات بین المللی چند جانبه به سرعت در حال گسترش است و در حال حاضر بیش از ۵۰ کشور عضو دائم آن، ۲۰ کشور عضو ناظر و ۸ سازمان بین المللی از جمله سازمان تجارت جهانی عضو آن می باشند. بنابراین به نفع هیچ کشوری نیست تا از روند توسعه و تکامل منشور و در نهایت بهره مندی از مفاد آن دور باشد. در قسمت اهداف منشور در خصوص ترانزیت انرژی آنچه از معاهدات بین المللی موجود و رویه کشورها برداشت می شود این است که اصل آزادی ترانزیت بر سه اصل غیر مشروط بودن، عدم ایجاد اختلال و غیرتبعیض آمیز بودن، تبدیل به قاعده ای عرفی شده است. بر این اساس چه کشورهای ذینفع در صادرات، واردات یا ترانزیت عضو معاهداتی باشند که این اصل مبتنی بر سه شرط مذکور در آن مندرج است یا خیر، تعهد مربوط به آزادی ترانزیت هم چنان بر آنها اعمال می شود. لذا کشورها می بایست متوجه این امر باشند که ترانزیت یکی از تعهدات بین المللی آنهاست و نمی توانند از زیر بار آن شانه خالی نمایند. همچنین منشور از سه اصل آزادی ترانزیت، دسترسی به ترانزیت و عدم مداخله در امر ترانزیت پیروی نموده است. با وجود این در منشور چندین استثناء نیز وجود دارد. از جمله این استثنائات این است که هم موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت و هم منشور انرژی کشورها را مجاز دانسته است که هر اقدامی را برای حفاظت از منافع امنیتی خود اتخاذ نمایند. به نظر می رسد که مجوز مزبور ضربه ای مهم بر اصل آزادی ترانزیت است و آن را تا حد زیادی خالی از محتوا می کند زیرا کشورها با استناد به استثنای مزبور می توانند هر گونه محدودیت یا ممنوعیتی را بر اصل ترانزیت اعمال نمایند. منشور نیز در این راستا تعهداتی را برای کشورها در نظر گرفته است. در قسمت ترانزیت از دیدگاه کشورهای مختلف (تولیدکننده، مصرف کننده و ترانزیتی) می‌توان گفت که مفاد منشور در خصوص ترانزیت در جهت حمایت از دسترسی آسان و مطمئن به انرژی به نفع کشورهای مصرف کننده و نیز دسترسی به بازارهای بین المللی جهت فروش و صادرات محصولات انرژی به نفع کشورهای تولید کننده و ترانزیتی می باشد. اگرچه مفاد منشور رسیدن به اهداف فوق را از طریق همکاری های بین المللی تشویق و حمایت می کند اما ملاحظه می گردد که تمامی تعهدات و وظایفی را که برای کشورهای عضو در نظر گرفته بیشتر در جهت تأمین منافع کشورهای مصرف کننده و وارد کننده انرژی می باشد. چراکه ترانزیت از جمله مواردی است که در صورت اختلال در جریان آن امکان هرگونه دسترسی به انرژی را دشوار خواهد ساخت. بنابراین در این خصوص وظایفی که کشورهای مصرف کننده

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

می توانند برعهده داشته باشند محدود خواهد بود. به عنوان مثال از جمله تعهدات کشورهای مصرف کننده تعهد به پرداخت تعرفه ترانزیتی و یا همان حقوق اقتصادی ناشی از ترانزیت می باشد. همان طور که گفته شد ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی خود توانمندی بسیار بالایی در خصوص ترانزیت انرژی برق را دارا می‌باشد بر همین اساس لزوم تدوین سیاست گذاری دقیق در زمینه ترانزیت انرژی برق می‌تواند برای کشور در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی دارای فواید زیادی باشد. باتوجه به اینکه در منطقه کشورهایی مانند عراق، افغانستان، پاکستان دارای کمبود انرژی برق می‌باشند و از طرف دیگر کشورهایی مانند ترکمنستان، ترکیه در بسیاری از مقاطع سال دارای مازاد انرژی برق می‌باشند ایران می‌تواند به عنوان پل اتصال میان این کشورها عمل نماید که برای صورت پذیرفتن این امر عضویت در منشور انرژی می‌تواند اولین قدم باشد.

منابع

[۱] آقایی، محمد، «تحول در روشهای حقوقی حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی WTO» پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، ۸۱- ۱۳۸۰/

[۲] انصاری، ولی الله، *کلیات حقوق قراردادهای اداری، نشر حقوقدان*، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰/

[۳] باوت، دریک ویلییام، «قراردادهای دولت با بیگانگان: تحولات معاصر در مساله غرامت ناشی از فسخ یا نقض این قراردادها، علی قاسمی، *مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی جمهوری اسلامی ایران*، تهران. ش ۱۷.

[۴] بلدسو، بوسچک، رابرت، *فرهنگ روابط بین الملل*، بهمن آقایی، گنج دانش، تهران، زمستان ۱۳۷۵/

[۵] پیرایش، هایده، «بررسی تاریخی شرکت‌های چند ملیتی» *نشریه روابط بین الملل*، ۱۳۵۵، ش ۷ و ۸/

[۶] حسن بیکی، ابوالفضل، *نفت، بای بک و منافع ملی*، انتشارات آوای نور، تهران، ۱۳۸۰/

[۷] حسین آبادی، امیر، حقوق مصرف کننده، تصویب قانون ضرورت اجتناب ناپذیر، *مصاحبه با ماهنامه اطلاع رسانی حقوقی*، معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، تهران، ش ۱، ۱۳۸۱/

[۸] خراشادی زاده، حسین، «اهل تغییر اوضاع و احوال در حقوق بین الملل» پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴/

[۹] رازدان، مهسا. «تحلیلی بر قراردادهای خارجی توسعه نفت و گاز در ایران» پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، مؤسسه بین المللی مطالعات انرژی، بهار ۱۳۸۱/

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

[۱۰] روحانی، فؤاد، *تاریخ اوپک*، منوچهر روحانی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۵۳/

[۱۱] زایدل، هوهن فلدرن، آیگنتاس، «*حقوق بین الملل اقتصادی*»، سید قاسم زمانی، نشر دانش، تهران، ۱۳۷۹/

[۱۲] ستوده لنگرودی، نسرین، بررسی قواعد حقوق بین الملل در جهت تضمین بر حق توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱/

[۱۳] صادقی، جوانمرد، بررسی جنبه‌های حقوقی معاهدات بای بک (بیع متقابل)، *مجله نفت،گاز*، پتروشیمی، ش ۲۲ و ۲۱، تهران، ۱۳۸۲/

[۱۴] صباحی، بابک، «جایگاه شرکت‌های فراملیتی در حقوق بین الملل»، پایان نامه دوره کارشناس ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شهریور ۱۳۸۴/

[۱۵] ضیایی بیگدلی، رضا، جزوه درس بررسی تفصیلی مباحثی از حقوق بین الملل، دوره کارشناسی ارشد، حقوق بین الملل عمومی دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷/

[۱۶] علیان لاریجانی، سید محمد، «موانع زیست محیطی بر تجارت بین المللی» پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، مهر ۱۳۸۳/

[۱۷] غنیمی فرد، حجت الله، مصاحبه با مدیر بین المللی شرکت ملی نفت ایران، روزنامه شرق، ش ۵۶۲، هفتم شهریور ۱۳۸۴/

[18] Bamberger Craig. Linehan Jan & Walled Thomas (2009), "The Energy Charter Treaty in 2000: In a New Phase", Chapter from Energy Law in Europe, Dec 2000, Available at: www.dundee.ac.uk

[19] Clark, Bryan (1998), "Transit and the energy charter treaty: Rhetoric and Reality" Available at: www.webjcli.ncl.ac.uk

[20] Daniel Müller-Jentsch (2001), "The Development of Electricity Markets in the Euro-Mediterranean Area: Trends and Prospect for Liberalization and Regional Integration", the World Bank, WTP 491.

[21] Energy Charter Secretariat (2009), A Reader's Guide, Available at: www.encharter.org

[22] Energy Charter Secretariat (2009), Trade and Transit. Available at: www.encharter.org

[23] Energy Charter Secretariat (2007), The Energy Charter Treaty and Energy Producing States. Available at: www.encharter.org

[24] Energy Charter Secretariat (2003), Final Act of the Energy Charter Conference with Respect to the Energy Charter Protocol on Transit, Available at: www.encharter.org

[25] Energy Charter Secretariat (2009), Transit Protocol Background to the Negotiation, Available at: www.encharter.org

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]

[26] Energy Charter Secretariat (2007), Transit of Natural Gas, Monitoring Report on The Implementation of the Transit Provisions of the Energy Charter Treaty, Available at: http:/: www.encharter.org

[27] Energy Charter Secretariat (2015),"The role of the Energy Charter Treaty in fostering regional electricity market integration: Lessons learnt from the EU and implications for Northeast Asia" avalaible at https://www.energycharter.org/fileadmin/DocumentsMedia/Thematic/Northeast_Asia_Study_EN.pdf

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-17]